

انتخابات برای کشور ما و ملت ما یک فرصت است، برای دشمنان ما یک تهدید است؛ انتخابات را دست کم نباید گرفت. اینکه بعضی‌ها راجع به انتخابات حرف می‌زنند، هر چه دلشان می‌خواهد می‌گویند، مردم را دلسرد می‌کنند، نباید انسان به آسانی از این عبور بکند؛ انتخابات برای کشور ما یک فرصت بسیار بزرگی است انتخابات اگر پُرشور انجام بگیرد و مردم به صورت کامل پای صندوقهای رأی حضور پیدا کنند، این تضمین‌کننده‌ی امنیت کشور است، امنیت کشور را تضمین می‌کند؛ چرا؟ برای خاطر اینکه دشمنانی که کشور را، ملت را تهدید می‌کنند، از پشتوانه‌ی مردمی بیشتر هراس دارند تا امکانات تسلیحاتی ما؛ بله، از موشک ما هم می‌ترسند اما از پشتوانه‌ی مردمی نظام بیشتر می‌ترسند.

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال ششم / شماره ۸۷۷ / شنبه ۱۹ بهمن ماه ۱۳۹۸

از مکتب خمینی تا مکتب سلیمانی

فارس: حاج قاسم سلیمانی کسی بود که توانست در برابر هجمه‌های دکترین نظامی و امنیتی متداول که زمینه وابستگی به شرق و غرب را فراهم می‌آورد، یقین خود را حفظ نماید و به آن تجربه‌های میدانی موفق تکیه کند. بلکه به نظر می‌رسد آن بزرگوار آن تجربه‌ها را روزآمد کرد و ارتقا داد و به همین دلیل بود که توانست با توطئه‌های چندجانبه امریکا در منطقه مقابله کند و آنها را خنثی کند و با سازماندهی نیروهای مردمی شهادت‌طلب در منطقه، مهندس و معمار محور مقاومت در بُعد امنیتی و نظامی شود و با هزینه‌ای ناچیز، ابهت امریکا و هزینه‌های چند تریلیون دلاری آن در نقاط مختلف منطقه را به صورت همزمان ناکارآمد کند و یوم‌الله‌های دیگری را در غلبه قدرت منطقه‌ای نظام اسلامی بر قدرت مستکبرین رقم بزند؛ آن هم با وجود فرهنگ‌ها و روایات مختلف در رزمندگان کشورهای گوناگون! ایشان حتی روند دیپلماسی متداول که محور آن ارتباط با دولتهاست، تغییر دادند و توانستند با گروه‌های مختلف مقاومت - که از متن مردم هستند - ارتباط برقرار کنند و آنان را با وجود فرهنگ‌های گوناگونشان، در خنثی‌سازی توطئه‌های دشمن هماهنگ کنند. این کارآمدی بالا در مقابل کفر، سبب شد که خونشان توسط اشقی الاشقیاء ریخته شود و این عظمت در شهادت ایشان رقم بخورد و الا انسانهایی که اهل حال و مناجات بودند، کم نیستند. البته امریکا در طول این مقاومت مداوم، از کشتن علنی شهید سلیمانی رعب داشت؛ اما چه شد آنان جرأت یافتند سردار سلیمانی که مظهر هویت جمهوری اسلامی در مبارزه با کفر بود را «رسماً و علناً» به شهادت برسانند؟ به نظر می‌رسد همان عوامل انزوای ایام‌الله، سبب وقوع این مصیبت گردید: وقتی دشمن مشاهده کرد که بخشی از مردم با فاصله دو سال در سال ۹۶ و ۹۸، در اعتراض به ناکارآمدی‌های اقتصادی به خیابان آمدند، احساس کرد که پایگاه مردمی نظام آسیب دیده است. البته آنان تحلیلشان از واقعیت کشور قطعاً درست نبود؛ چون مردم معترض به ناهنجاری‌های اقتصادی، همان مردمی هستند که به برکت انقلاب، ظلم ستیزی و کفرستیزی در وجدان آنها نهادینه شده است. اما اساساً ناکارآمدی اقتصادی به این علت است: «کارشناسی متداول اقتصادی» که در کشور پیگیری می‌شود، با انگیزه‌های دینی و انقلابی مردم چالش دارد و ناسازگار است و لذا با روند موجود، وضعیت اقتصاد کلان همچون نرخ تورم، ارزش پول ملی، بیکاری و... را نمی‌توان کنترل کرد. که تحلیل این مسئله در مباحث دیگر تفصیلاً ارائه شده است. پس چالش بین ادبیات انقلاب و ادبیات توسعه در درون کشور، موجب ناهنجاری اقتصادی شده و ضعف درونی را ایجاد کرده و مایه امید دشمن شده است.

مجلس قوی؛ مؤلفه اصلی ایران قوی

جوان: دهه فجر در جمهوری اسلامی ایران، تجسم عینی مردمی بودن نظام اسلامی است، مردم سالاری دینی در کشور ایران محصور در شکل انتخاباتی آن نبوده و در نظام اسلامی و انقلابی ایران مردم اساس و پایه و قاعده حکومت محسوب شده و مردم صاحب انقلاب و کشورند. اینک در آغاز چهل و دومین سال انقلاب در شرایطی به استقبال اولین انتخابات در گام دوم انقلاب می‌رویم که شیطان بزرگ و دشمن جرار و نابه‌کار پس از شکست‌های پی در پی در میدان مقاومت و سرخوردگی از ناامیدسازی و ناراضی سازی ملت ایران حاج قاسم را به‌عنوان نماد و تجسم عینی مردم انقلابی ایران ترور کرده و به خیال خام خود بر این باور بوده که در کنار تشدید تحریم‌ها خط نفوذ با استفاده حداکثری از ضعف‌ها و برخی سوءمدیریت‌های داخلی موفق به ناراضی کردن عمومی مردم و به میدان آوردن آنان شده و دیگر مردم رغبتی برای حمایت از نظام اسلامی خود ندارند. از نظر مردم ایران، تفکر انقلابی حاج قاسم عامل اصلی تضمین امنیت کشور در منطقه ناامن غرب آسیا محسوب می‌شود و از نظر نظام اسلامی حضور مردم در صحنه تضمین کننده امنیت کشور است. تقارن مراسم چهلم سردار دل‌ها با مراسم راه‌پیمایی ۲۲ بهمن، انگیزه مردم را برای حضور پررنگ‌تر از همیشه در دفاع از استقلال و امنیت کشور بیشتر نموده است و تردیدی نیست که همین انگیزه قوی در میدان انتخابات شگفتی‌ساز خواهد شد. از این رو بزرگنمایی مشکلات و زیر سؤال بردن ارکان مؤثر در انتخابات با هدف دلسرد کردن مردم در دستور کار دشمن خارجی و شبکه همکار دشمن در داخل قرار گرفته است. از دشمن جز دشمنی و تلاش برای ناامیدی و دلسرد کردن مردم انتظاری نیست، اما دلسرد کردن مردم از سوی برخی مسئولان با هر انگیزه و بهانه‌ای غیرقابل توجیه و به طور قطع و یقین ریختن آب به آسیاب دشمنان و اقدامی ناصواب و تکمیل کننده پازل دشمن است. حقیقت تلخ این است که مردم علاوه بر آثار تحریم‌ها و فشار دشمن، سوءمدیریت، عملکرد ضعیف و فرصت سوزی‌های مسئولان را نیز در بروز و تشدید مشکلات مؤثر دانسته و در این راستا مجلس دهم را نیز بی‌تقصیر نمی‌دانند و رد صلاحیت شدن تعداد قابل توجهی از نمایندگان فعلی به دلیل مسائل و مشکلات مالی و اقتصادی را دلیل این عدم رضایت می‌دانند. واقعیت این است که عملکرد مجلس فعلی نشان داده که نه عصاره فضائل ملت است و نه در رأس امور بوده است. با این وصف چاره چیست؟ چاره کار کاملاً روشن است. دشمن از ایران قوی و مقتدر هراس دارد و انتخابات مهم‌ترین نماد پشتوانه مردمی نظام است. بدیهی است که دشمن اگر نتواند مردم را از حضور پررنگ در صحنه انتخابات مأیوس کند برای تشکیل مجلسی ضعیف و ناتوان تلاش خواهد کرد، مجلسی که نمایندگانش از موضع‌گیری علیه دشمن بترسند و یا به سبک زندگی و تمدن بیگانه دلبستگی داشته و به خاطر علایق فرهنگی و مفاصد اقتصادی در جهت رضایتمندی دشمن حرکت کند. در اولین انتخابات در گام دوم انقلاب مردم فهیم و بصیر ایران انقلابی تصمیم خود را برای حضور گسترده در انتخابات پیش رو گرفته و عزم خود را برای تشکیل مجلس توانمند، شجاع و حزب‌اللهی و انقلابی جزم کرده‌اند. تجربه مجالس پیشین مردم را بر آن داشته تا فارغ از دغدغه‌های حزبی و جناحی برای حل مشکلات کشور و حفظ آبرو، عظمت، اقتدار و امنیت کشور، به افراد مؤمن، انقلابی، جهادی، شجاع، کارآمد، کاربلد، پاک‌دست، خوش سابقه، با تدبیر، غیور، با انگیزه قوی، ضدفساد و متعهد رأی دهند. مردم ایران خود را پیرو شهید سلیمانی می‌دانند و در انتخابات، با تشکیل مجلسی قوی سیلی محکم‌تری به دشمن خواهند زد و تردیدی نیست که مجلس قوی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در تشکیل ایرانی نیرومند و مقتدر محسوب می‌شود.

روحانی چه می‌کند؟ ساندیس خورها چه می‌خواهند؟

کیهان: داستانی که می‌خوانید، با همه شگفتی و تلخی‌اش، واقعی است. ماجرا به ادعای دلسوزی برخی سیاست‌بازان و مدیران دولتی برای حقوق مردم در انتخابات برمی‌گردد. اخیراً حزب «اتحاد ملت» در نامه‌ای، از آقای روحانی خواسته لایحه‌ای برای همه‌پرسی درباره تفسیر شورای نگهبان از نظارت بر انتخابات (اصل ۹۹ قانون اساسی) تهیه و ارائه کند. روحانی هم ضمن استقبال، دستور تدوین لایحه مذکور را صادر کرده است. حزب اتحاد ملت چه نسبت و سنخیتی با روحانی دارد؟ آنها واقعا نگران حقوق و مصالح مردم هستند یا در نقطه مقابل مصالح و منافع عمومی رفتار می‌کنند؟

آنها طیفی هستند که صراحتاً گفته‌اند دولت روحانی را «رحم اجاره‌ای» می‌دانند. آقای روحانی، هرگز درباره چنین انتساب توهین‌آمیزی، اعلام انزجار و براءت نکرده است؛ ولو به خاطر روحیات خاصش، از طیف مذکور منزجر است. آنها نگاه آمرانه به روحانی دارند. می‌گویند اعتدال، گفتمان نیست و فقط اصلاح‌طلبی گفتمان است. می‌گویند روحانی خودش رای نداشت و ما او را رئیس‌جمهور کردیم. و این در حالی است که نه عارف و نه جهانگیری هیچ کدام بالای ۸ درصد رای در سال ۹۲ و ۹۶ نداشتند. افراتیون مدعی اصلاح‌طلبی با وجود این واقعیت و اینکه بدون پاسخگویی توانسته‌اند در سایه دولت روحانی، از رانت‌های قدرت و ثروت برخوردار شوند، همواره کوشیده‌اند او را بدهکار و وامدار خود وانمود کنند.

واقعیت همان است «عابد توانچه» عضو سابق دفتر تحکیم و انجمن اسلامی دانشگاه امیرکبیر، ۶ تیر ۹۲ گفت. «اصلاح طلبان نگاه ابزاری دوگانه به روحانی دارند. از یک طرف او را پس می‌زنند تا هزینه‌ای پرداخت نکنند. از طرف دیگر تأیید می‌کنند... آنها به روحانی مثل ساندیسی نگاه می‌کنند که تا زمانی که آخرین قطره ممکن در او را میک نزنند، لوله ساندیس را از آن بیرون نخواهند کشید. وقتی مطمئن شوند دیگر نمی‌توانند از روحانی استفاده‌ای کنند، همان کاری را که با هاشمی رفسنجانی کردند با او می‌کنند... اصلاح‌طلبان در وضعیت بدی گرفتار شده‌اند. از یک طرف باید به روحانی بچسبند. از طرف دیگر مطمئن هستند به‌زودی بخش‌هایی که از ترس جلیلی یا بر مبنای توقعاتی به روحانی رأی داده‌اند، از فضای احساسی خارج شده و کم‌کم بازار انتقاد و اعلام براءت داغ خواهد شد. اصلاح‌طلبان می‌خواهند نهایت استفاده را بکنند اما جوابگوی کارنامه او نباشند.» این طیف انتظار خودزنی از روحانی دارند. روزنامه سلام در تیرماه ۱۳۷۸، استارت آشوبی یک هفته‌ای را زد؛ آشوبی که برخی دست‌اندرکاران آن، پس از فرار از ایران، با جرج بوش و مقامات صهیونیست دیدار کردند. «جعفر-گ» از همکاران سلام، خرداد امسال در روزنامه زنجیره‌ای آرمان، تحلیلی نوشت که جمع بندی افراتیون مدعی اصلاحات است: «دولت روحانی که برجام را به‌عنوان برگ اصلی برنده‌اش تقریباً از دست داده، و در غیاب آن، زمان و قدرت لازم برای ارائه بدیل دیگری را ندارد، روزها و ماه‌های طاقت فرسا و نفسگیر خود را سپری می‌کند. دولت برای تاریخ هم که شده، باید گوشه‌ای از پرده را کنار بزند تا در برابر انواع نگاه‌های تند و مطالبه‌گر پناهگاهی فراهم کند. اینجا اگر کسی بخواهد آهسته بیاید و آهسته برود، همانا انبان خالی خود را به نمایش گذاشته و دست خالی خواهد رفت و کتاب سیاست را می‌بندد و می‌رود... آقای روحانی، دولت و آقای ربیعی، دیگر چیزی برای دست دادن ندارند [!] و می‌توانند این دو سال را با برنامه‌ای حداکثری سپری سازند؛ مثل یک تیم فوتبال که اگر گلی بوده، خورده‌اند و دیگر نیاز چندانی به حفظ دروازه ندارند!» در این میان، «اتحاد ملت»، خلف حزب منحل مشارکت است؛ تندروهایی که در دولت اصلاحات، به خاتمی هم رحم نکردند و خواستار خروج از حاکمیت شدند. نشریه اجاره‌ای «صدا» ارگان حزب، آذر گذشته به نقل از عباس عبدی خواستار استعفای روحانی شد. آنها دی ۹۶ همزمان با آشوب‌افکنی

دشمن هم، خواستار استعفای روحانی شدند و حال آنکه شش ماه قبل، از او حمایت کرده بودند. تندروها با وجود مشاهده کارنامه چهار ساله روحانی، خواستار رای مجدد به وی در انتخابات سال ۹۶ شدند و بنابراین در شش ماه بعدی، آگاهی جدیدی کسب نکرده بودند که خواستار استعفا شوند. برای شناخت هویت این حزب، باید سخنان مشمئزکننده و لاشخورمآبانه دبیرکل حزب را پس از بلوای بنزین به یاد بیاوریم. علی شکوری راد، روز ثبت نام برای انتخابات مجلس، سخنانی بر زبان راند که شدیداً بوی بی اخلاقی و خیانت می داد. در اثر سوءتدبیر مشکوک دولت روحانی و سه برابر کردن ناگهانی قیمت بنزین، دشمنان و ضد انقلاب، سوار موج التهاب شدند که نتیجه آن، جان باختن ده ها نفر بود. این اتفاق تلخ، موجب تاسف بود، اما شکوری راد با ابراز ذوق زدگی از فشار بر طبقات محروم و پایین شهر گفت: «اعتراضات اخیر، موجب ریزش رای اصلاح طلب ها نشده یا اگر شده خیلی کمتر از میزانی است که از رای اصولگراها ریزش کرده. اعتراضات معمولاً در حواشی شهرهای بزرگ و در مناطقی که مردم از برخورداری مالی کمتری بهره مند هستند، اتفاق افتاد. این جاها به طور سنتی جاهایی بوده که مردم مناسکی رای می دادند، یعنی همانطور که نماز می خوانند و روزه می گیرند، می آمدند و رای می دادند، خب اینها الان آسیب دیده اند. بنابراین برخلاف دوره های قبل که کاهش مشارکت، بیشتر به ضرر اصلاح طلب ها بود، بعد از این اعتراضات اخیر در حقیقت کاهش رای بیشتر در اردوگاه اصولگرایان اتفاق افتاده است.» اما گویا فقط شکوری راد و حزبی نبودند که از پیامدهای تلخ فشار بر مردم استقبال کردند. آن چنانکه محمد جواد روح، سردبیر نشریه صدا ۱۶ آذر در سرمقاله نشریه «اتحاد ملت» نوشت، روحانی با آگاهی به پیامدهای تلخ ماجرا، آن را طراحی و اجرا کرد! «چرا روحانی چهار روز قبل از گرانی بنزین آنگونه سخنرانی می کند؟ کدام رئیس جمهور اعلام کرده بود که فلان قدر کسری بودجه داریم؟ آقای روحانی در یزد از کسری بودجه گفت و یکسری حملات هم به رئیسی انجام داد. همین روش را در کرمان به شکلی دیگر ادامه داد. مهم تر از همه اینها، اعلام کرد به توافقات پشت پرده هم پایبند است؛ همه اینها، یعنی روحانی می خواهد به هر قیمتی شده، دوباره مذاکره کند. اینجا بود که روحانی قمار کرد. وقتی دید چیزی دستش ندارد، بنزین را گران کرد تا جامعه به شرایط اقتصادی واکنش نشان دهد؛ فشار از پایین اتفاق بیفتد تا در بالا چانه زنی کنند که مذاکره انجام شود. می گویند وزیر اطلاعات در جلسه دولت هشدار داده اگر بنزین را گران کنید، جامعه به هم می ریزد و روحانی خندیده است.



FARS Masoud Shejoui

